

مصاحبه جنگ صدا با

رفیق لیلا جدیدی

به مناسبت ۸ مارس ، روز

جهانی زن

ضمن اینکه ۸ مارس روز جهانی زن را به شما تبریک می گویم
می خواستم نظر شما را در باره ریشه های تبعیض علیه زنان را بدانم

ج - خیلی متشکرم. من هم این روز را به همه زنان و مردانی که در راه رهایی و برابری انسانها، زن و مرد فعالیت و مبارزه می کنند، تبریک می گویم. در پاسخ به سوال شما باید بگویم که بطور کلی تبعیض، ستم و نابرابری شاخص نظامهای ناعادلانه اجتماعی است زیرا که این نظامها بر پایه بهره وری یکجانبه از انسانها بنا شده. محرومیت و ستم بر زن و تبعیض جنسی هم از فرآورده های همین نظامها است. در سیستمهای ناعادلانه اقتصادی - اجتماعی، بنیاد جامعه بر نابرابری و استثمار انسانهاست از این رو حاصل آن هم تولید و باز تولید نابرابری و تبعیض است. آثار تخریب کننده ی نابرابری و تبعیض در اجتماع و خانواده نیز خود را نشان می دهد.

س - با توجه به فشارها و تحمیلاتی که در جهان نسبت به زنان اعمال می شود، شما فکر می کنید تلاشهایی که جنبش برابری در سطح جهان صورت می دهد، موجب پیشرفت در وضعیت زنان شده است؟ یا این مبارزه کند پیش می رود؟

ج - من فکر می کنم یکی از بهترین و مهمترین دستاوردهای بیست یا سی سال اخیر جهان همین جنبش زنان بوده. این جنبش سبب یک انقلاب فرهنگی در تاریخ شده. مهمترین دستاوردش بالا رفتن آگاهی زنان و همینطور مردان بوده. اکثر زنان به وضعیت خود توجه پیدا کرده اند. این توجه و آگاهی که بیشتر برای زنان کشورهای پیشرفته وجود داشت، دامنه اش به کشورهای در حال توسعه و فقیر هم کشیده شده. زنان متوجه شده اند که نقش اصلی آنان در زندگی، همسر یا مادر بودن نیست بلکه اول یک انسان و بعد هم یک زن هستند و توانسته اند این را در بسیاری پهنه ها به خوبی جا بیاندازند. جنبش زنان قادر بوده که بسیاری از قوانین ضد زن را از میان بردارد، زنان را در ساختن

سرنوشت خود شریک کند و آنها را در همه عرصه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی فعال کند. حالا اگر شما می خواهید سرعت این پیشرفت ها را بدانید، به نظر من برای پایان دادن به فجایعی که نسبت به زنان رخ می دهد، امروز هم دیر است تا به حال هم دیر بوده و یک روز دیگر هم نباید ادامه پیدا کند. ولی چون این متاسفانه عملی نیست، نمی شود براساس شتاب یا کندی تحولات قضاوت کرد. در نقاط مختلف دنیا هم این فرق می



کند. مثلاً در ایران، آخوندها با تمام قوا این روند را به عقب می کشند و زنان با تمام قوا آنها به پیش می برند و با هوامل سد کننده مبارزه می کنند. ما می بینیم که بهر حال در جهان در همین بیست یا ۳۰ سال اخیر، وضع زنان تغییرات بسیاری داشته، با این حال من فکر می کنم تحول به سود تغییر شرایط، کند پیش می رود و باید تا امکان دارد در این جهت بیشتر و متمرکزتر فعالیت کرد. باید با فعالیت در سازمانها، انجمنها و تشکلهایی که از حقوق زنان حمایت می کنند، مداخله نمود و این مبارزه را سریع تر پیش برد.

س - علت وخیم تر شدن شرایط زنان در ایران را شما چگونه ارزیابی می کنید؟

ج - همانطور که می دانید، نابرابری و فقدان حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در حکومت جمهوری اسلامی برای زنان ابعاد بسیار وسیعی را در برمی گیرد. اثرات این کمبودها و نبودها، مثل زنجیر به یکدیگر پیوسته اند. اینکه زنان بطور روزمره و به طور سیستماتیک سرکوب می شوند و قوانین مذهبی و منحط قرون وسطایی به آنها تحمیل می شود، خود به تنهایی بزرگترین عامل وخیم شدن وضع زندگی آنهاست. فقر و بیکاری که اغلب وابستگی زنان را به مرد در پی دارد و اینکه زنان در مقابل کار مساوی، مزد مساوی دریافت نمی کنند و همینطور تحقیر و توهینی که به آنها

می شود، نابرابری در روابط خانوادگی که آنان را سرخورده می کند، همه و همه دست به دست هم می دهند. این فشارها سبب پیش آمدن فجایع بزرگی می شوند. و به همین دلیل هم هست که هرروزه با اخبار فاجعه باری از فرارازخانه، خودسوزی و خودکشی و یا قتل همسران خود، افتادن زنان به دامن فحشا و تن فروشی، اعتیاد به مواد مخدر و دهها حوادث هولناک روبرو

می شویم. اخباری که ما هر روزه از این حوادث هولناک می شنویم، همگی ریشه در وضعیت فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی دارند که مردم ایران تحت آن زندگی می کنند. جامعه ایران تحت حکومت ملاما، یک جامعه سالم و امن برای هیچ کس و بویژه برای زنان نیست. هر چه وضع سیستم حاکم در هر نقطه از جهان بدتر باشد، وضعیت زنان در آنجا نیز وخیم تر است و نمونه اش را هم در همین جامعه ایران به خوبی می شود دید. البته در جاییکه خانواده ها از سطح آموزش بالاتری برخوردارند و از نظر اقتصادی تامین بهتری داشته اند، توانسته اند بیشتر مقاومت کنند. ولی این یک مساله عام نیست. اکثر مردم ایران از حداقلهای زندگی محروم هستند و به همین دلیل از تربیت و آموزش و پرورش سالم هم محرومند و این محرومیت و فشارها بیشتر از همه، گریبانگیر زنان می شود که محروم تر هستند و ستم دو جانبه را هم تحمل می کنند.

س - به نظر شما چگونه می توان برای بهبود وضع حقوق بشر زنان فعالیت موثر کرد؟

ج - اولاً شرایطی که برای زنان در حال حاضر وجود دارد، آنان را خود به خود هرچه بیشتر به مبارزه علیه بی عدالتی و ستم سوق داده. به نظر من هر قدمی، هر چند کوچک که در مسیر مبارزه برای بهبود وضع زنان بر داشته شود، مثبت و موثر است. اگر خوب دقت کنیم می بینیم که هر چه زمان می گذرد و ارزشهای انسانی جایگاه مهمتری پیدا می کنند، مساله شرایط زنان هم بیشتر مطرح می شود. بیشتر این بی عدالتی و ستمی که طی قرن ها زنان با آن در گیر بوده اند و در بیشتر اوقات اعتراضی هم نمی

توانستند بکنند و در خفا آنها تحمل می کردند، حالا ز پرده برون افتاده و مطرح می شود. با آشکار شدن این ستمها و دستان آغشته به جنایتهایی که درمورد زنان اعمال می شود و توجهی که به آن جلب شده، راههای مبارزه هم پیدا می شود. پس یکی از بهترین راهها همین است که این مسایل را تا می توانیم مطرح کنیم و اجازه ندهیم پشت درهای بسته بر سر زنان هر چه می آید مسکوت بماند. به نظر من هر زنی و یا مردی که از حقوق خود و خانواده خود دفاع می کند، باید از حقوق خانواده جهانی خود نیز دفاع کند. به همین دلیل باید دست خودمان را تا می توانیم به جایی که ظرفی برای مبارزه و دفاع از حقوق انسانی زنان، بوجود آمده، امتداد بدهیم. این البته یک حالت آن است. روش دیگر و مهمتر این است که برای سرنگونی سیستمهایی که تحت آنها زنان از حقوق انسانی خود بر خوردار نیستند فعالیت کرد و نقش داشت. این یک راه برای ریشه کن کردن آن است و فقط مرهم بر درد گذاشتن نیست. در جواب شما باید بگویم که وضع زنان نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان آنقدر وخیم است که هر حرکتی می تواند موثر واقع بشود. هر چه بیشتر کار بشود، تاثیر آن هم بیشتر خواهد بود. من فکر می کنم که باید ضمن فعالیتهای آگاهی دهنده و افشاگرانه و یاری رساندن به زنان و همبستگی با مبارزات آنها در عرصه های مختلف اقتصادی و اجتماعی، نهایتاً باید دامنه مبارزه را به بیخ گوش سیستمهای ناعادلانه کشاند، زیرا علت اصلی وضعیت ناهنجار امروز زنان سود جوئی و بهره وری این نظامها از آنان است. یعنی اینکه، کار اصلی زنان باید فعالیت در ایجاد تغییر و تحول سیستم حاکم بر جامعه شان باشد. آنها باید برای تغییر قوانین و حق و حقوق خود، به موثرترین ابزارهای تحول در جامعه دست پیداکنند و این میسر نیست مگر اینکه دموکراسی و عدالت وجود داشته باشد. من البته خودم شخصا معتقدم که مبارزه برای برابری زن و مرد در همه عرصه های اجتماعی، با مبارزه سوسیالیستی در جهت لغو کامل ستم و تامین برابری انسانها در پیوند است. و از این نظر از زنان و مردان آزادخواه که برای رهایی از هر گونه تبعیض و ستم مبارزه می کنند می خواهم که به سازمان ما بپیوندند و برای سوسیالیسم مبارزه کنند